

نگاهی بتاریخ

اردشیر پاپکان مؤسس سلسله ساسانی

(٢٢٤—٢٤١ م)

بقلم فاضل عترم میرزا عباسخان اقبال آشتیانی

بعقیده بنده یکی از ستارگان قدر اولی که در آسمان عظمت و شوکت نژاد ایرانی طلوع کرده و بنور و فروغ وجود خود مقداری از راه استقبال را برای این قوم روشن نموده اردشیر پسر پاپک است که بمناسبت اسم پدر او را پاپکان و سلسله او را بنام جدش سلسله ساسانی میخوانند.

پاپک پدر اردشیر یکی از شاهان جزو ایرانی بوده است که در ناحیه استخر فارس برای خود سلطنت نیمه مستقلی داشته و با وجود استیلای اشکانیان بر تمام ایران، در آن ناحیه کوچک صاحب قدرت محسوب میشده است.

بعد از او پسرش شاپور بسلطنت ناحیه استخر میرسد ولی پسر دیگر او که اردشیر باشد بر برادر میثورد و سلطنت را خود بدست می آورد و همین اردشیر است که تشکیل سلسله ساسانی را از او میداند زیرا که اعتبار و عظمت ساسانیان از او شروع می شود و پادشاهان قبل از اردشیر اسم و رسمی نداشته و باز در تحت تبعیت دیگران بسر میبرده اند.

اصل اسم اردشیر چنانکه از کتیبه های پهلوی بدست می آید ارتخشتر است و همین لغت است که یونانی ها قدری آنرا تحریف کرده و در نوشته های خود آرتاکزرسس (١) ضبط نموده و

(١) Artaxerxès.

اروپائیان نیز همان را معمول داشته اند. پیش از اردشیر چنانکه همه میداند ایرانیان را اشکانیان در تصرف داشتند و ایشان قریب چهار قرن بود که در وطن کورس و داریوش به ترویج بت پرستی و آداب و مراسم و زبان یونانی یعنی هلنیسم (۲) مشغول بودند و چندان کسی بفکر ایرانی و ایرانیت نمی افتاد.

در مدت پنج قرن و نیم استیلای خارجیان (یونانیها) — سلوکیدها — اشکانیها) بر ایران، نژاد ایرانی از جهت قوای روحانی و خصائل معنوی تنزل کرده و بواسطه اختلاط با اقوام خارجی مخصوصاً تورانی‌های کم استعداد بسیاری از فضائل و مکارم ذاتی خود را از دست داده و در عوض مقداری از اخلاق و آداب ایشان را اقتباس کرده است.

با تمام این کیفیات امر غریب باقی ماندن ملیت ایرانی و محو نشدن این قوم از صفحه تاریخ است چه قریب ششصد سال تحمل فشار استیلای بیگانه را کردند و از ملیت و آثار قومی یعنی از حیات حقیقی دست نشستن پایداری و ثبات غریبی منجواهد که کمتر از ملل امتحان آنها از عهده بر آمده اند.

اگرچه یکی از علل بقای این ملیت آزادی دادن اشکانیها بر عابای خود در اجرای مراسم مذهبی و عدم کوشش ایشان در بر انداختن آداب و آثار مغلوبین بوده اما باز باید بجا ماندن ملیت ایرانی و حفظ روح ایرانیت را در ظرف اینمدت از دولت مساعی بلوغه مؤبدان زردشتی و مؤمنین بان کیش دانست زیرا که فقط این طایفه بوده اند که اقامه مراسم مذهبی را در آن ایام عهده دار بوده اوستا را در مخزن سینه‌های خود محفوظ داشته بگدیگر انتقال میدادند و همه وقت خارجی بودن یونانیها و پارتها را ظاهر

(۲) Hellénisme.

میکرده. افعال زشت ایشان مخصوصاً توهین‌هایی را که از جانب آن جماعت به «به‌دین» و سایر آثار قومی ایرانی وارد آمده بود گوشزد مردم مینمودند --- کینه ایشان را در دلها جا میدادند و افکار را برای تجدید دوره حیات مستقلی مهیا و جهت کشیدن انتقام از غاصبین حاضر میکردند.



اردشیر پاپگان مؤسس خاندان ساسانی

نگارش میرزا علی اکبر خان نجم آبادی

[این تصویر توافق کامل با تصویر سکه‌ها و حجاریها ندارد. در شماره‌های آتی شرح میدهم]

این قبیل حسیات که روز بروز قوت می یافت عاقبت در زمان

ضعف اشکانیان از سینه یکی از ایرانی زادگان اصیل یعنی اردشیر

پایگان شعله زد و خرمن هستی خارجیان را سوخت و ایرانی را مجدداً صاحب استقلال نمود.

اردشیر پایگان در سال ۲۲۴ میلادی در دشت هرمان خوزستان بر اردوان چهارم پادشاه آخری سلسله اشکانی غلبه یافته و بواسطه منقرض کردن آن دولت ایران را از چنگال یارثها نجات بخشیده سپس آثار ملوک الطوائفی را بر انداخته و بعد از پنج قرن و نیم مملکت را رو بمرکزیت و وحدت سیاسی برده است.

شرح خدمات این مرد بقوم ایرانی و متی که بگردن مردم این مملکت دارد مفصل و محتاج بدوین رساله جداگانه است. چون عجالتاً مقصود وارد شدن درین مبحث نیست فقط بتعداد آنها اکتفا میکنیم و تفصیل را برای موقع دیگر میگذاریم:

۱— اردشیر پایگان ایرانرا استقلال داده و خارجیان را مغلوب ساخته است — بواسطه بر انداختن ترتیب ملوک الطوائفی هرج و مرج و ضعف داخلی را نا بود کرده و بواسطه جنگ با رومیان بر اعتبار خارجی مملکت افزوده است.

۲— اردشیر پادشاهی رعیت دوست و آباد کننده و عادل بوده نطقی که در موقع جلوس کرده و خلاصه آن در مروج الذهب مسعودی و شاهنامه فردوسی ضبط است شمه‌ای از افکار بلند اینمرد را درین مرحله میرساند — سیرت پسندیده و آثار جمیل او سالها در مشرق زمین اشتها داشته و هنوز هم گفته‌ها و کرده‌های او محل توجه اهل نظر و صاحبان دیده بصیرت و عبرت است.

۳— بزرگترین خدمت اردشیر بقوم ایرانی رسمی کردن دین زردشتی و سعی در ترویج و انتشار آن است که اساس قومیت و ملیت مردم ایران محسوب میشده و بوجود آن زندگانی حقیقی برای این قوم مشکل بوده است.

مذهب زردشتی چنانکه از تحقیقات جدیده بر می آید قبل از تشکیل سلسله ساسانی فقط مذهب اکثریت ایرانیها بوده و سمت رسمیت نداشته است و عیناً در حکم تشیع قبل از تأسیس دولت صفویه بوده اردشیر همانطور که شاه اسمعیل صفوی تشیع را رسمی کرده آئین مزدیسنی یعنی زردشتی را رسمیت داده است و آنرا مذهب دولت و مملکت کرده (۳).

جمع آوری مؤبدان و هیربدان و دستوران زردشتی و فراهم کردن نسخه جدید اوستا و ترجمه و تفسیر آن بزبان پهلوی — تأسیس آتشکده‌های جدید و تشکیلات مذهبی عهد ساسانی همه از اردشیر است — خلاصه این پادشاه بقدری در احیای مذهب زردشتی سعی بخرج داده که میگویند اردشیر مؤبدی بوده که تاج سلطنت بر سر گذاشته است (۴).

در موقع احتضار نیز اردشیر مذهب زردشتی را فراموش نکرده و پسر خود شاپور را مخاطب ساخته و باو گفت:

«ای فرزند دین و ملک دو برادرند که هیچک را از دیگری بی نیازی نیست — دین اساس ملک است و ملک نگهدارنده دین — آنچه اساس ندارد خرابست و آنچه را نگهدارنده نیست ضایع شمرده میشود» (۵).

۴ — احیای ملیت ایران نیز از اردشیر پابگان است اینک شهادت یکی از محققین اروپائی، استاد کریستینسن دانمارکی که میگوید:

«داریوش کبیر در اظهار افتخار بذکر ایرانی بودن اکتفا نمی نماید بلکه خود را یکدگر آیین معرفی میکند — اشکانیها نیز

(۳) Christensen, L'empire Sassanide p. 18.

(۴) Daremesteter, Coup d'œil sur l'hist. de Perse 28.

(۵) مروج الذهب مسعودی ۱۱۹ ج ۱ و عقد الفرید. ابن عبد ربّه ۱۵ ج ۱.



مردمی پارت و دوستدار یونان بودند — قوم ایرانی هم قبل از اردشیر خیلی کم با احساسات وحدت ملی آشنائی داشتند — مؤسس سلسله ساسانی با رسمی کردن مذهب زردشتی برای ایران ترتیب یکنوع اساس ملیتی داده که علامت آن همان درفش قدیم کلوپانی بوده است» (۶). بعلاوه اردشیر اول کسی است که رسماً خود را پادشاه «ایران» یعنی ایران می نامد و هم اوست که ترتیب طبقه بندی مردم را معین کرده و اساس اجتماع ایرانی را ریخته است.

۵ — اردشیر خود مردی تعلیم یافته و حکیم بوده و میل مفرطی بمعاشرت اهل علم و حکمت داشته کلمات حکیمانه و توقیعات عالیه و کتاب کلرنامه او مشهور است.

بوزرجمهر را از حال اردشیر پرسیدند گفت: «شب را بتحصیل حکمت زنده میداشت و روز را براندن سیاست فارغ می نشست» (۷). ابوعلی مسکویه گوید:

«اردشیر مردی با احتیاط و اریب و کثیر الاستشاره و طویل الفکر بود و در سیاست و تدبیر بر مردی از فضلای ایرانی که به تنسر موسوم بود اعتماد داشت و این شخص یکی از هیربدان بوده (۸) این تنسر همان کسی است که از جانب اردشیر نامه معروف تاریخی را پادشاه طبرستان نوشته است.

«اردشیر بجمع و استنساخ کتب دینی و طبی و نجومی که اسکندر بعضی از آنها را سوخته و قسمت عمده آنها را بروم و یونان نقل کرده بود امر داد دو باره آنها را رو نویسی کردند و محفوظ داشت و درین راه توجه بسیار صرف کرد و مال فراوان خرج نمود و مراتب مؤبدان و هیربدان را که مأمور اقامه احکام

(۶) Christensen 78.

(۷) کتاب الفخری ابن طفطق صفحه ۵۰.

(۸) تجارب الامم.

دین و تفریق حلال از حرام بودند مقرر ساخت» (۹).
 بهر حال اردشیر نظر بخدماتی که بقوم ایرانی کرده و دخالتی
 که در تأسیس ملیت و تمدن و مذهب ایران دارد از رجال بزرگ
 و سلاطین این مملکت است و اگر در میان سلاطین ساسانیان کسی
 براو برتری داشته باشد، انوشیروان، نعم‌الخلف اوست که باز
 بسیاری از بزرگواری و علو قدر خود را مدیون متصرفاتی است
 که اردشیر آنها را فراهم ساخته بوده — بزرگی مقام و شدت
 سیاست اردشیر تا آن حد بوده که در قدیم میگفتند «هیچیک از
 اقوام مطلقاً از پادشاه خود بقدری که میان ایرانی‌ها مردم از اردشیر
 و در اسلام از عمر بن خطاب حساب می‌برده اند نمیترسیده» (۱۰).

* * *

در زمستان امسال این جانب تصمیم کرده بودم بهر وسیله باشد از
 اردشیر پاپگان که مختصری از خدمات او نسبت بمردم این مملکت
 شرح داده شد، تصویری بدست داشته باشم. برای این کار، راهی
 نشناختم جز آنکه بدهم از روی اسناد و شواهد موجوده، پرده‌ای
 از صورت او با مقیاس بزرگتر بسازند. بهمین قصد از روی چند
 سکه و از روی اشارات و اوصاف متفرقه‌ایکه در بعضی از کتب
 تاریخ راجع ب اردشیر بدست می‌آید، یکی از کارکنان محترم مدرسه
 صنایع مستظرفه طهران یعنی آقای میرزا علی اکبرخان نجم آبادیرا
 بانجام این مقصود دعوت نمودم — تصویری که به نظر قارئین محترم
 میرسد عکس پرده ایست که ایشان، با تحمل زحمات بسیار کشیده
 و یادگار قیسی از خود بجا گذارده اند.

البته قارئین معظم کم و بیش باحوال مدرسه صنایع مستظرفه

(۹) غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی ۴۸۵.

(۱۰) کتاب المحاسن و المساوی بی‌هقی ۱۱۵ ج ۱ چاپ مصر.

طهران آشنا هستند و میداند که این مؤسسه مفید بهمت عالی استاد بزرگوار حضرت آقای کمال‌الملک غفاری مد ظله تأسیس یافته و امروز هم گرداننده چرخهای آن انقاس قدسیه حضرت ایشان است. این مؤسسه سودمند که میتوان لطیفترین و معنوی‌ترین مؤسسات عهد مشروطه‌اش گفت امروز کانون اجتماع یکگده جوانان مذهب هنرمند و محل افاده و استفاده فنون جمیله و صنایع مستظرفه است — آثار جاویدی که در این مدت قلیل ازین مدرسه عالی بیرون آمده و هنرمندانی که بر اثر تعلیم آن استاد بزرگوار از انجا خارج شده اند بار دیگر دنیا را بتصدیق استعداد ذوقی و هنرمندی ایرانی که وقتی در همین راه مظهر شاهکارهای حیرت‌انگیز بوده و شگفت‌هایی از نوک خامه و سرانگشتان خود ظاهر میکرده و امیدارد و نسل حاضر را نیز بآینده در خشان‌تری امیدواری میدهد — کسانی که این مؤسسه را ندیده و از کارهای هنرمندان آن اطلاعی ندارند، از مشاهده تصویر پرده اردشیر از آن مدرسه اجمالاً تصویری پیش خود بنمایند.

طهران — ۵ اسد ۱۳۰۳
عباس اقبال آشتیانی

ایران‌شهر از استادان و نواله چنان صنایع ظریفه و بخصوص نقاشان زبردست ایران خواهشمندیم که آثار قلمی خود و یا عکس آنها را بجهت درج در صفحات مجله برای ما ارسال دارند تا نمونه‌های زنده و درخشانی از تجلیات روح ایرانی را پیش انظار صنعت‌شناسان غرب بگذاریم.